



مقطع تحصیلی: کاردانی  کارشناسی  رشته: مترجمی همزمان انگلیسی .....ترم: .....سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹  
نام درس: اصول نگارش... نام و نام خانوادگی مدرس: حسین احمدی رضایی  
آدرس email مدرس: hosseinahmadirezaee@yahoo.com... تلفن همراه مدرس: .....

جزوه درس: اصول نگارش..... مربوط به هفته : اول  دوم  سوم  چهارم  پنجم  ششم   
text: دارد  ندارد  voice: دارد  ندارد  power point: دارد  ندارد   
تلفن همراه مدیر گروه : .....

در ادامه به نحوه نگارش پاراگراف های توصیفی می پردازیم:

## How to write a descriptive paragraph

همانگونه که در جلسات قبل در باره نحوه نگارش و ویژگی های پاراگراف و مقاله صحبت کردیم کماکان ساختار نوشته ما برای پاراگراف های توصیفی همان چیزی است که قبلا توضیح داده ایم و فقط نحوه نوشتن این نوع پاراگراف ها و مقالات نیاز به آموزش دارد.

به طور کل مواردی که باید در باره نوشتن یک پاراگراف و یا مقاله مد نظر داشت به شرح زیر هستند:

۱. قبل از این که چیزی را بنویسید در باره موضوع خود فکر کنید. به این مرحله **brainstorming** یا طوفان ذهنی می گویند.
۲. بعد از مرحله اول، موضوعاتی را که می خواهید بنویسید را به صورت واژه ها و یا عبارات کلیدی ابتدا یادداشت کنید و به طور خلاصه رئوس مطالب و زیرعنوان های آن را به صورت منظم در قالب ۱ و ۲ و ۳ و ... و یا الف، ب، ج و ... بنویسید. به این عمل **outline** کردن می گویند. این عمل باعث میشود که شما بتوانید به نوشته های خود نظم دهید.
۳. حال که رئوس کلی و جزعی تر را خلاصه کرده اید شروع به نوشتن کنید. به عبارتی آن چه به صورت واژه و یا عبارت هستند را به صورت جمله در آورید. در این مرحله فقط بنویسید و چندان توجه ای به مسائل دستوری ننمایید.
۴. در مرحله بعد نوشته های خود را از نظر محتوای نوشتن (نه مسائل دستوری) مورد بررسی قرار دهید و هر آنچه که می خواهید بیفزایید و یا بکاهید را اعمال کنید.
۵. در این مرحله شما نوشته های خود را از نظر دستوری، نقطه گذاری و واژگان استفاده شده مورد واررسی قرار دهید و اصلاحات لازم را اعمال کنید. در این مرحله شما می توانید نوشته خود را به فردی که هم سطح شما است داده و از او بخواهید ایرادات شما را اصلاح کند. در صورت عدم دسترسی به چنین فردی یک روزی به خودتان استراحت داده و روز بعد خودتان دوباره نوشته های خود را مورد واررسی قرار دهید. یقینا این دفعه



متوجه ایرادات بیشتری شده و آن ها را اعمال خواهید کرد.

حال چگونه یک پاراگراف توصیفی را بنویسیم:

جمله را با **Topic sentence** شروع کنید و در همان ابتدای پاراگراف خود، توجه خواننده گان خود را معطوف به شخص، شی و یا مکانی را که می خواهید توصیف کنید را بنمایید. سعی کنید جمله اصلی (topic sentence) مختصر و شفاف باشد و بر روی یک و یا حداکثر دو الی سه ویژگی کلی که بنا بر توصیف آن دارید متمرکز باشد. شما نمی توانید در همان ابتدا ویژگی های زیادی را برای خواننده خود بنویسید و او را گیج کنید. چنانچه می خواهید تاثیر شگرفی بر روی خواننده خود بگذارید بهتر است در باره یک ویژگی بارز او صحبت کنید.

E.g. Mr. Asadi was the tallest person that I had ever seen.

E.g. Maryam's hair is the biggest thing about her.

چنانچه می خواهید صورت و یا ظاهر شخص، یا شی و یا مکانی را توصیف کنید سعی کنید آن بخشی از ظاهر که به نظر جالب تر و تا حدی غیرمعمول تر است را به تصویر بکشید تا بتوانید در همان لحظه اول بیشترین تاثیر را بر روی خواننده خود بگذارید. به طور مثال شما فردی را برای اولین بار می بینید چه چیز و یا چه ویژگی فیزیکی او توجه شما را به آن جلب می کند.

سعی کنید از واژگان توصیفی مناسب استفاده کنید به گونه ای که پاراگراف شما یک تصویر روشنی از آن فرد و یا شی بدهد. هر گاه بتوانید طوری فرد و یا شی و یا مکان مورد نظر را توصیف کنید که خواننده با خواندن نوشته های شما آن فرد و یا شی و یا مکان را در چشم خود مجسم کند شما به هدف خود رسیده اید. سعی به گفتن ویژگی نباشید بلکه سعی در نشان دادن آن ویژگی باشید.

در زمانی که می خواهید فردی را توصیف کنید در باره ظاهر، رفتار و توانایی های او صحبت کنید. مثلا وقتی می خواهید در باره ظاهر فرد بنویسید صرفا به شکل فیزیکی او مانند قد، چاق و یا لاغر بودن، رنگ پوست و چشم، رنگ مو و مدل مو و ویژگی های چهره او اکتفا نکرده و در باره نحوه لباس پوشیدن او مثلا فرد ساده پوش است و یا اهل مد است و این که معمولا چه رنگ هایی را می پوشد و ... هم می توانید بنویسید. در باره رفتار فرد هم می توانید پیرامون رفتار اجتماعی وی در محل کار و یا تحصیل و به طور مثال در باره مسئولیت پذیری، وفای به عهد، احترام به قانون، وقت شناسی، گذشت و ایثار و کمک به هموعان و امثالهم بنویسید. در باره توانایی های او هم می توانید به مسائلی چون دانش و مهارت ها، تخصص و خلاقیت او و امثالهم اشاره



کنید.

نکته مهم این که سعی کنید نوشته های خود را سازماندهی کنید. یعنی در باره سه مورد کلی ظاهر، رفتار و توانایی های افراد و زیرمجموعه های آن ها به صورت جداگانه صحبت کنید. به طور مثال شما می توانید هر یک را در یک پاراگراف نوشته و توصیف کنید.

در زیر چند نمونه از پاراگراف های توصیفی را برای شما می آوریم:

### **Sample 1. I am going to describe a sunset!**

Sunset is the time of day when our sky meets the outer space solar winds. There are blue, pink, and purple swirls, spinning and twisting, like clouds of balloons caught in a whirlwind. The sun moves slowly to hide behind the line of horizon, while the moon races to take its place in prominence atop the night sky. People slow to a crawl, entranced, fully forgetting the deeds that must still be done. There is a coolness, a calmness, when the sun does set.

### **Sample 2. I am going to describe (My cousin Laura)**

Someone I admire is my cousin Laura. She's five years older than me, so she's 19 now and she lives in Bristol. She's very friendly and confident and she's got long, wavy, brown hair and greeny-brown eyes. She's medium height, slim and very fit because she's a dancer.

She's been dancing since she was six years old and trains every day at her dance school. She wants to be a professional dancer, but it's a very difficult profession because it's so competitive. She often dances in shows and I've been to watch her several times. Her favorite type of dance is modern, which is sometimes a bit strange, but I love watching her dance.

Laura is very busy because she also studies photography at university. She's a really good photographer and has taken lots of amazing photos of me and my family. Her photos have won a few prizes and last year one of her photos was in an exhibition at an art gallery in London.

Laura doesn't have a lot of free time and she's also trying to learn German



because she wants to go to Germany next year to do a photography course. I think Laura is very hard-working and she deserves to become a professional dancer one day.

### **Sample 3. I am going to describe my grandmother**

My granny lives in London. When a child I spent the entire month at her place. I suppose the absolute number of children are brought up by their grandparents. I was not an exception. I enjoyed staying at my granny's and listening to her memories and jokes. Frankly speaking, I have learnt about life a lot due to her stories and pieces of advice. I should say I have learnt more information from her than from my parents. My granny is a very conservative woman. When you enter her house, you will see a big collection of old dolls and china figures of animals. She dislikes brand new furniture and any changes of her interior. She lives in her own 'dollhouse', which has its originality and charm. When I was little, her house looked very mysterious and fairy. I enjoyed walking about the house and discovering her old and precious items. I should say that I like this trait of her character. She has taught me to collect things and appreciate them. When I saw her collections, I wanted to make my own collection of some sophisticated items. It is very interesting that she does not collect rubbish and random old things. She has her own taste and interests.

She has always told me stories about her own childhood and shared her impressions about World War 2. I have never been able to imagine my granny to be a little girl. Her stories about her parents and grandparents were extremely interesting, because they were the representatives of a completely different epoch. I suppose people should communicate with their grandparents all the time in order to obtain their valuable knowledge about the previous decades. You will never read about such interesting and slight moments in a book. It is better to hear about them from the person who has experienced these events on her own skin.

My granny told me about the basic moral values and their importance for the life in the human society. Her wisdom is very deep and simple at the same time. For example, she has always told me to be hardworking and ambitious. On the other hand, I should not sacrifice my family and friends for my career. She said that work is not the most important thing in the world. She told me about true



friendship and the value of friendship for people. She brought up my aesthetic feelings and helped me see the beauty of the surrounding world. My grandmother encouraged my drawing practice and always stood for me when my parents were angry with me. In brief, she has always been my close friend.

Unfortunately, with the run of time, we have practically lost our connection, because I am very busy at college and work. Nevertheless, I try to visit her at least once a month. Her ideas and pieces of advice are still relevant and useful to me.

In conclusion, I should say that I appreciate my granny a lot, because she has taught me how to live in the human society. I want to say that we should be proud that we have such close people who help us improve ourselves and become better.